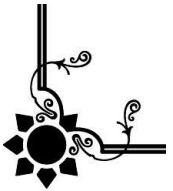
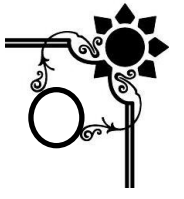
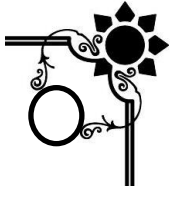


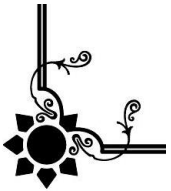


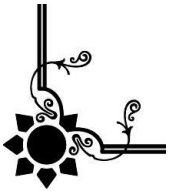
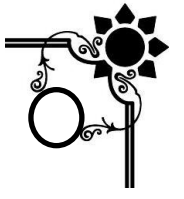
معرفی اجمالی نقشه ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی بوسیله ی تبیین مانع اصلی فهم  
چیستی مسئله ی الگوی پیشرفت اسلامی به معنی انحلال سوالات انقلاب در سوالات  
متداول دنیا و تعریف راه حل عبور از این مانع بوسیله ی تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی

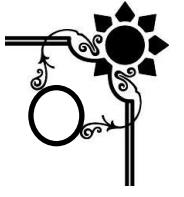




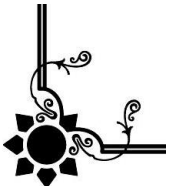
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

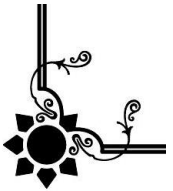
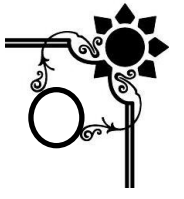


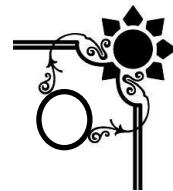




معرفی اولین نقشه ی راه تولید الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی توسط دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت  
اسلامی در مصاحبه با سایت تریبون مستضعفین







شناسنامه محصول:

مکان مصاحبه: دفتر سایت تریبون  
مستضعفین

پیاده و ویراست: سایت تریبون مستضعفین

ویرایش نهایی: فاطمه موحدیان فر

فهرست کننده: فاطمه موحدیان فر

کارگروه مربوطه: حلقه ی سمنان

(پایگاه شهید شاطری)

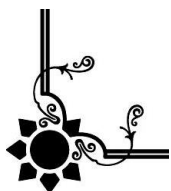
طراحی صفحه و جلد: فاطمه موحدیان فر

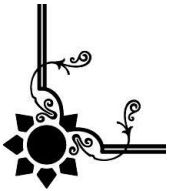
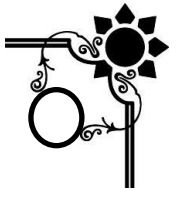
تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۱

تاریخ انتشار متن: ۱۳۹۱/۱۰/۲

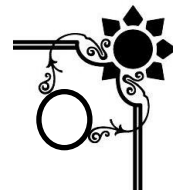
تاریخ شروع فهرست: ۱۳۹۳/۵/۱

تاریخ پایان فهرست: ۱۳۹۳/۵/۳



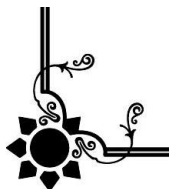


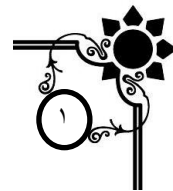




## فهرست اجمالی

۱. راه اندازی یک شورای مردمی در قم به نام «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی»..... ۱
۲. به هم ریختن تعادل کل برنامه توسعه ی با محوریت اقتصاد و نوشتن آن با محوریت فرهنگ، هدف ما..... ۳
۳. تحمیل سوالات قبلی به سوال جدید در همایش های برگزار شده در بحث اقتصاد مقاومتی و پاسخ به سوال انقلاب مانند سوالات قبلی و بیان تازه متوجه این موضوع شدن رهبران انقلاب و مرور آسیب مذکور با عنوان «عدم تبیین دقیق و روشن مسائل تأسیسی انقلاب، نزد برگزارکنندگان و نزد شرکت کنندگان این گونه همایش ها»..... ۵
۴. تبیین جهت جمهوری اسلامی ایران ؛ راه حل جلوگیری از آفت انحلال سوال جمهوری اسلامی در توسعه غربی..... ۱۰
- ۵- تعریف دولت اسلامی در سه مرحله در دومین جدول نقشه راه برای پیمودن گام دوم..... ۱۲





۱. راه اندازی یک شورای مردمی در قم به نام «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی»

ما یک شورای مردمی در قم راه اندازی کردیم به نام «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی».

۱/۲. نقشه‌ی راه دستیابی به الگوی پیشرفت اسلامی، اولویت کاری شورا و در پیش داشتن سه دستور کار برای طرح این مسئله در کشور

فعلاً اولویت کاری ما مسئله نقشه‌ی راه دستیابی به الگوی پیشرفت اسلامی است. برای این که مسئله را در کشور مطرح کنیم، سه دستور کار پیش رو داریم.

۱/۲/۱. معرفی نقشه‌ی راه شامل ده سال مطالعه مربوط به اصل انقلاب و چهار سال مطالعه مربوط به چگونگی تغییر در ساختارهای فعلی نظام جمهوری اسلامی، دستور کار اول

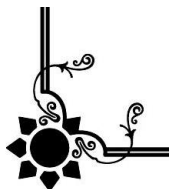
یکی معرفی نقشه راه خودمان است. همان طور که میدانید حدود ۱۵ سال کار برده است. چهار سالش مربوط به چگونگی تغییر در ساختارهای فعلی نظام جمهوری اسلامی به سمت آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده است. حدود ده سال هم مطالعاتی مربوط به اصل انقلاب اسلامی بوده است. -شاید آن ده سال بیشتر مبنایی مد نظر بوده است- در چهار سال اخیر بیشتر به کاربرد نزدیک شدیم. علی‌ای حال، معرفی نقشه‌ی راه در قالب ساختاری که خدمت‌تان عرض می‌کنم، کار اصلی ما و در واقع کار تبعی ماست.

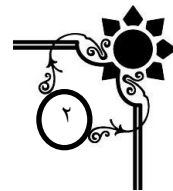
۱/۲/۲. ارتباط گیری با نهاد های متکفل برخی از محور های ۲۷ گانه ی نقشه ی راه و طرح تدریجی ضرورت تاسیس نهاد های متکفل دیگر محور های نقشه ی راه در جامعه، دستور کار دوم

کار دیگری هم داریم درباره‌ی محورهای نقشه‌ی راه، که با نهادهای نظام ارتباط دارد. چون به هر حال نقشه‌ی راه الگوی راه پیشرفت اسلامی که دوستان ما تهیه کردند، ۲۷ محور دارد که این ۲۷ محور یا نهادی در نظام متکفلش است (که ما با آن نهاد ارتباط می‌گیریم و مباحث مربوط به نقشه را با آن‌ها در میان می‌گذاریم) یا نهادی متکفل‌شان نیست که باید به تدریج ضرورت تأسیس چنین نهادهایی را در جامعه مطرح کنیم. پس ارتباط محورهای نقشه با نهادهای نظام شد کار دوم.

۱/۲/۳. تنظیم و پیشنهاد به دفتر مقام معظم رهبری سیاست‌هایی کلان مبتنی بر نقشه راه برای بیان تغییرات لازم در برنامه آتی کشور، دستور کار سوم

کار سومی که در دستور کار داریم، خدای متعال توفیق عنایت کردند و در برنامه‌ی آتی اداره‌ی کشور سیاست‌های کلانی را بنا داریم مبتنی بر نقشه راه تنظیم کرده و به دفتر مقام معظم رهبری پیشنهاد کنیم که مبتنی بر این نقشه راه ما باید چه تغییراتی در برنامه آتی اداره کشور ایجاد شود. برنامه‌ای که به غلط موسوم است به توسعه.





برنامه‌ای که باید ثروت ایجاد شود. در واقع باید ان شاء الله آن برنامه را برنامه‌ی پیشرفت کشور نام‌گذاری کنیم. این هم کار سوم.

۱/۲/۴. مرور سه دستور کار شورا شامل ۱- برگزاری نشست‌های معرفی، ۲- تشکیل کارگروه‌های همکاری با محوریت موضوعات نقشه راه، ۳- نوشتن سیاست‌های کلان برای برنامه آتی پیشرفت کشور

پس ما در شورای راهبردی به سه کار مشغول هستیم. ۱- برگزاری نشست‌های معرفی، ۲- تشکیل کارگروه‌های همکاری با محوریت موضوعات نقشه راه، ۳- نوشتن سیاست‌های کلان برای برنامه آتی پیشرفت کشور.

۱/۲/۱/۱. داشتن سه مدل برای نشست‌های معرفی و توضیح اولین آنان شامل نشست‌های خانگی، مخصوص مستضعفین به میزبانی یک نفر و دعوت رفقای نخبه‌ی میزبان و رایزنی آنان و بیان داشتن رضایت بالا از این نشست‌ها

این نشست‌های معرفی، سه مدل است. یکی نشست‌های خانگی داریم، که مخصوص مستضعفین است. یعنی یک نفر میزبان می‌شود و اطعامی هم می‌کند. مانند مهمانی و معمولاً به این صورت است که میزبان با مجموعه رفقای نخبه‌ی خودش رایزنی می‌کند. ما یک نشست خانگی درباره‌ی نقشه‌ی راه برگزار می‌کنیم. به نظرم تجربه‌ی خوبی است و ما هم از این نشست‌ها خیلی راضی هستیم.

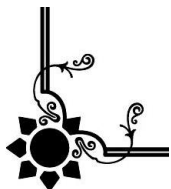
۱/۲/۱/۲. نشست با رسانه‌ها و تیم تعیین‌کننده‌ی سیاست‌های خبری آنها و مباحثه پیرامون در دستور کار قرار گرفتن محورها در تولید خبر، دومین مدل نشست‌های معرفی

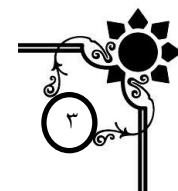
یک سبک نشست هم در رسانه‌ها داریم، که شاید نشستی که در خدمت شما هستیم دومی یا سومی باشد. با تیمی که سیاست‌های خبری سایت‌ها و خبرگزاری‌ها را تعیین می‌کنند، مباحثه می‌کنیم که محورها در دستور کار تولید خبر قرار گیرد. این نشست در واقع چنین نشستی است.

۱/۲/۱/۳. نشست با حوزویان و دانشگاهیان، مدل سوم نشست‌های معرفی

یک نشست‌هایی هم با حوزویان و دانشگاهیان داریم. در هر سه این نشست‌ها بحث معرفی نقشه راه مطرح است.

۱/۲/۲/۱. گزارش کار بخش تشکیل کارگروه‌ها به صورت تشکیل کارگروه‌ی ۷-۸ نفره از نمایندگان مجلس برای پیشبرد بحث اصلاح نحوه‌ی قانون‌گذاری و بیان استفاده از نقشه راه گاه برای معرفی شورا و گاه برای تصمیم‌سازی به همراه مدیران





در گزارش بخش تشکیل کارگروه‌ها هم باید بگوییم در حال تشکیل یک کارگروه با ۷-۸ نفر از نمایندگان مجلس هستیم تا بحث اصلاح نحوه قانون‌گذاری را پیش ببریم. امیدواریم در روزهای آتی اولین کارگروه مشترک‌مان با مجلس تشکیل شود. بحث‌های دیگری هم درباره پیش‌گیری از جرم و بقیه موارد مطرح است که گزارش آن‌ها را برای وقت دیگری می‌گذاریم. این گزارش مختصری راجع به بحث شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و محور فعالیت‌هایش بود، که بر اساس نقشه راه گام معرفی‌اش می‌کنیم و گاهی با مدیران بر اساسش تصمیم‌سازی می‌کنیم.

۲. به هم ریختن تعادل کل برنامه توسعه‌ی با محوریت اقتصاد و نوشتن آن با محوریت فرهنگ، هدف ما

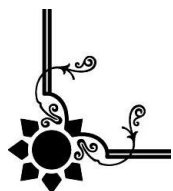
ما می‌خواهیم تعادل کل برنامه توسعه را به هم بزنیم. چون برنامه‌های توسعه‌الان به محوریت اقتصاد نوشته می‌شود و به نظر می‌رسد با محوریت فرهنگ می‌شود برنامه‌های پیشرفت کشور را عوض کرد. اگر اولین نسخه‌اش بیرون بیاید تجربه‌ای خواهد شد. این گزارش مفصلی از این فعالیت‌ها بود که خدمت‌تان عرض کردم.

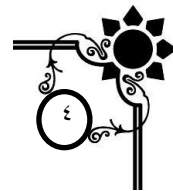
۳/۱. بیان آسیب فعلی کارهای فکری انقلاب شامل طرح سفارشات علمی از سوی رهبر مانند دستور تبیین اقتصاد مقاومتی، نسبت بین عدالت و پیشرفت، چگونگی اصلاح الگوی مصرف، چیستی الگوی پیشرفت اسلامی، تاثیر برنامه ریزی کشور بر موضوع خانواده و ... و نبود جواب برای این سفارشات در دپارتمان‌های علمی دنیا به علت نو و تأسیسی بودن آنها و بررسی این آسیب برای رسیدن به نقشه راه

از یک آسیب‌شناسی شروع می‌کنم که امروز در کارهای فکری انقلاب به آن مبتلا هستیم. آن آسیب به صورت خلاصه این است که از یک طرف در ادبیات انقلاب یک سری سفارشات علمی مطرح شده است. فرض کنید رهبری معظم سفارش کرده اند که اقتصاد مقاومتی تبیین شود. یا سفارش فرموده‌اند نسبت بین عدالت و پیشرفت تبیین شود. دهه چهارم را هم ایشان به دهه پیشرفت و عدالت نام گذاری کرده‌اند؛ یا چگونگی اصلاح الگوی مصرف. خود بحث چیستی الگوی پیشرفت اسلامی؛ یا مثلاً تاثیر گذاری برنامه ریزی کشور بر موضوع مهم خانواده. این دست موضوعات جدیدی که در ادبیات انقلاب مطرح و به نخبگان سفارش شده است اگر شما در دپارتمان‌های علم دنیا دنبالش بگردید جوابی برایش نیست. چرا؟ چون موضوعی نو و تأسیسی است. پس یک طرف قضیه این است که یک سری موضوعات نو و تأسیسی در ادبیات انقلاب به نخبگان سفارش شده است. می‌خواهیم آسیبی را تبیین کنیم تا به نقشه راه برسیم.

۳/۱/۱. ورود حوزویان و دانشگاهیان به نشست، کارگاه، مقاله و کتاب برای پاسخ به سوالات طرح شده

طرف دیگر این است که حوزویان و دانشگاهیان که دو نهاد تخصصی جامعه‌ی اسلامی ما هستند ورود پیدا کنند به نشست، کارگاه، مقاله، کتاب و پاسخ این سوالات را پیدا کنند. این از اول انقلاب بوده است.





۳/۱/۲. بیان مثال طرح بحث "زمان و مکان در اجتهاد" توسط امام راحل، به عنوان بحثی جدید در حوزه ی فقه و برگزاری همایش هایی در قم در این راستا و همچنین شرح و بسط موضوعات توسط خود آیت الله خامنه ای درباره ی بحث های پیرامون حوزه ی اجرایی کشور یا مباحث دانشگاهی در عین برگزاری نشست ها و همایش ها پیرامون این موضوعات

مثلا فرض کنید امام راحل عظیم الشان وقتی بحث زمان و مکان در اجتهاد را مطرح کردند، این بحث، بحث جدیدی بود که ایشان در حوزه فقه مطرح کردند که همایش های در قم برگزار شد. یا بحث های دیگر که در حوزه ی اجرایی کشور یا در حوزه ی مباحث دانشگاهی مانند بحث انقلاب فرهنگی مطرح شد و بعد هم آیت الله خامنه ای موضوعات را بسط دادند، گسترده کردند و تبیین کردند. یعنی شرح و بسط دادند. این ها وقتی مطرح می شود یک سری نشست ها و همایش ها برگزار می شود.

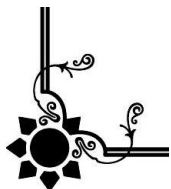
۳/۱/۱/۱. منحل شدن صورت مسئله ی انقلاب در صورت مسئله ای موجود و دادن همان پاسخ های قبلی به آن در تعداد زیادی از نشست ها و همایش ها

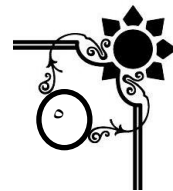
شما وقتی خروجی نشست ها و همایش ها را بررسی می کنید که نسبت به این سوالاتی که در ادبیات انقلاب مطرح شده چه پاسخی داده شده؟ با کمال تعجب می بینید که صورت مسئله ی انقلاب منحل شده در یک صورت مسئله ای که قبلاً بوده است. و بعد همان پاسخ هایی که قبلاً به آن سوالات داده می شده، در این همایش ها به این سوالات داده می شود. حداقل یک تعداد زیادی از این مقالات و سخنرانی ها این حالت را دارند.

۳/۱/۱/۱/۱. بیان مثال برگزاری نشستی تحت عنوان الگوی پیشرفت اسلامی و انحلال مسئله ی چیستی الگوی پیشرفت در مسئله ی چیستی الگوی توسعه و قلب سوال در این همایش توسط یکی از شخصیت های شناخته شده ی معتقد به توسعه و اقتصاد سرمایه ای در این نشست

مثلا فرض کنید نشست برگزار شده در جمهوری اسلامی، تحت عنوان نشست الگوی پیشرفت اسلامی. شما می بینید یکی از شخصیت های شناخته شده که معتقد به توسعه و اقتصاد سرمایه ای هست، مقاله ای دارد و در این نشست شرکت کرده است. مسئله این که پیشرفت چیست و الگویش چیست را منحل کرده در اینکه توسعه چیست و الگویش چیست؟ و بعد همان پاسخ هایی که در دپارتمان ها به روش ایجاد توسعه در کشورهایی که توسعه نیافته اند، در مقاله اش داده شده است. سؤال را قلب می کنند. سوال برای کسی که در نشست شرکت کرده، سؤال جدیدی نبوده است. همان سؤال قبلی بوده است و نهایتاً الفاظ تغییر کرده است.

۳/۱/۱/۱/۲. بیان مثال سخنرانی فقیهی در باره ی مسئله ی "زمان و مکان در اجتهاد" و ارتباط دادن این مسئله با "زمان و مکان در اجرای حکم" یا همان تراحم به عنوان مسئله ای جواب داده شده در فقه





فرض کنید در همان مثال زمان و مکان در اجتهاد، یک آقای فقهی در جلسه شرکت کرده و سخنران هم بوده. شما وقتی سخنرانی‌ش را بررسی می‌کنید، می‌بینید که زمان و مکان در اجتهاد را به زمان و مکان در اجرای حکم یا همان تراحم که قبلاً فقها جوابش را دادند، مربوط کرده است.

۳/۱/۱/۱/۲/۱. تبیین تراحم به صورت بیان ممکن نبودن اجرای دو حکم فقهی به صورت همزمان مانند اقامه ی نماز و نجات جان انسانی در حال غرق شدن و بیان بحث کردن زیاد فقها راجع به این موضوع

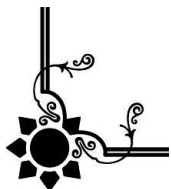
بالاخره در یک شرایط زمانی و مکانی خاص، ممکن است نشود دو حکم فقهی را با هم اجرا کرد. مثال معروفش این است که شما می‌خواهید نماز بخوانید و یک نفر هم در حال غرق شدن است. اجرای همزمان این دو حکم، نجات جان یک انسان واجب است و «اقم الصلوه» هم که واجب است. شما هم می‌خواهید آخر وقت بخوانید. اینها در این شرایط مکانی و در این شرایط زمانی اجرای‌شان تراحم ایجاد کرده است. اگر مسئله تراحم است، فقها زیاد درباره‌اش بحث کرده اند. او سؤال را منحل کرده است در مفهوم تراحم و بعد شرایط مکان و زمان و آن جواب را داده است.

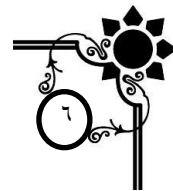
۳. تحمیل سوالات قبلی به سوال جدید در همایش‌های برگزار شده در بحث اقتصاد مقاومتی و پاسخ به سوال انقلاب مانند سوالات قبلی و بیان تازه متوجه این موضوع شدن رهبران انقلاب و مرور آسیب مذکور با عنوان «عدم تبیین دقیق و روشن مسائل تأسیسی انقلاب، نزد برگزارکنندگان و نزد شرکت‌کنندگان این‌گونه همایش‌ها»

اگر کسی بررسی کارشناسی کند در همایش‌های سی ساله که برگزار شده است، این مثال‌هایی که عرض کردم را می‌بیند. اخیراً هم در بحث اقتصاد مقاومتی که مطرح شده است، می‌بینیم که همین اتفاق در حال تکرار شدن است. یعنی نخبه‌ای که به عنوان سخنران دعوت شده است، یا به عنوان سخنران افتتاحیه یا از او مقاله‌ای آورده شده است و یا مصاحبه‌ای از او منتشر شده است، سعی می‌کند همان سؤال قبل را یک طوری به سوال جدید تحمیل کند. یعنی سؤال جدید، چیز نویی نیست، همان است و اتفاقاً حاصلش این می‌شود و می‌گویند ما قبلاً این را می‌گفتیم و رهبران انقلاب تازه این را متوجه شده‌اند! این تفاوت سؤال انقلاب از همایش‌ها، نشست‌ها، مصاحبه‌ها فهم نشده است و فرق آن با سوالات رایجی که در دیپارتمان‌ها و در نزد نخبگان و در کتاب‌ها هست، فهم نشده است. این آفتی است که همایش‌ها برای پاسخ‌گویی به سوالات انقلاب دچارش شده‌اند. اگر بخواهیم در یک جمله بگوییم: «عدم تبیین دقیق و روشن مسائل تأسیسی انقلاب، نزد برگزارکنندگان و نزد شرکت‌کنندگان این‌گونه همایش‌ها». این آفتی است که ما به آن مبتلاً هستیم.

۳/۲. نادیده گرفته شدن ایده ی نو اداره ی جامعه بر مبنای دین، نتیجه ی رفع نکردن آسیب

اگر چاره‌اش نکنیم چه می‌شود؟ شما گفتید که یک حرف نو در دنیا دارید، وقتی می‌خواهید نخبگان‌تان را وادار کنید که این سوال نو را پردازش کنند و جوابش را تولید کنند، اگر سوال خوب تبیین نشود، سوال منحل می‌شود





در سوال قبلی و این حرف اصلی شما که من ایده‌ی نویی در اداره جامعه دارم که اداره جامعه بر مبنای دین است، آن ایده‌ی نو نادیده گرفته می‌شود، چون جوابی برایش تولید نمی‌شود. چون هرچه نشست گذاشتیم تا جواب آن سوالات را تولید کنیم، همه‌ی آن نشست‌ها در واقع برای پاسخ به سوالات رایجی بوده که در دنیا مطرح می‌شده است.

۳/۲/۱. ادامه دادن راه‌های موجود دنیا و نهایتاً در نظر گرفتن بوم ایران، نتیجه‌ی گرفته شده در بیست سال آینده در صورت رفع نکردن آسیب

اگر ما این را ملاحظه نکنیم، در بیست سی سال آینده به این نتیجه می‌رسیم که باید همین راه‌های موجود دنیا را رفت. نهایتاً بوم ایران را در نظر گرفت مانند بقیه کشورها که شرایط بومی خود را در نظر می‌گیرند. شما ملاحظه بوم را بکنید، ولی راه پیش روی بشریت همین توسعه یافتگی است.

۳/۲/۱/۱. اشتباه بودن و شعار بودن راه آمده در هفتاد هشتاد سال اخیر، نتیجه‌ی گرفته شده در صورت رفع نکردن آسیب و عدم دقت در تبیین صحیح مسئله جمهوری اسلامی

این معنایش این است که هفتاد هشتاد سال این راهی که آمدیم، این راه شعار بوده و اشتباه بوده است. یعنی در نهایت علاج نکردن این آفت و عدم دقت در تبیین صحیح مسئله جمهوری اسلامی!

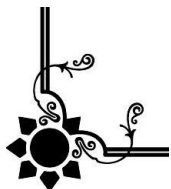
۳/۳. لزوم مقایسه و تطبیق توسعه یافتگی و الگوی پیشرفت اسلامی و روشن شدن نقاط اشتراک و اختلاف در تبیین الگوی پیشرفت

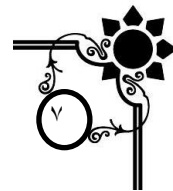
این تبیین باید یک تبیین تطبیقی باشد. مثلاً اگر شما راجع به الگوی پیشرفت اسلامی صحبت می‌کنید، یک طرفش مفهوم توسعه یافتگی در دنیا راجع به بحث شده است. باید بگویید پیشرفت با توسعه چه فرقی دارد. حتماً باید در مقام تطبیق مسئله جمهوری اسلامی را متولد کنیم. یعنی راه رایج دنیا و راه کشور تبیین شود و بعد پیشرفت اسلامی که شما مدعیش هستید بحث شود. نقاط اشتراک و اختلاف بحث شود تا مسئله روشن شود.

۳/۳/۱. معرفی الگوی پیشرفت اسلامی به صورت الگوی توسعه‌ی بومی توسط برخی و وارد کردن این موضوع به اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف و...

بحث بر سر همین است که عده‌ای می‌خواهند بگویند الگوی پیشرفت اسلامی همان بومی شده‌ی توسعه است. ما همین سوال را ببریم در اقتصاد مقاومتی. همین سوال را ببریم در اصلاح الگوی مصرف.

۳/۳/۱/۱. بیان یکسانی اصلاح الگوی مصرف و رعایت استانداردها توسط بعضی کارشناس‌ها





مثلاً ممکن است کارشناسی بگوید اصلاح الگوی مصرف همین رعایت استانداردهاست. وقتی استانداردهای هر بخش را که به صورت علمی تهیه شده است رعایت کنیم، می شود اصلاح الگوی مصرف.

۳/۴. طرح سوال مبنایی یا روبنایی و بومی بودن اختلاف مسائل انقلاب با مسائل همعرض خود در ادبیات رایج

محل بحث همین است. که آیا مسائل مطرح در ادبیات انقلاب به صورت مبنایی اختلافی با مسائل هم عرض خود در ادبیات رایج دارند؟ یا نه اختلاف در تغییر شرایط بومی و رو بنای مطلب است؟ این مسئله مورد دقت ما بوده است. ببینید فرض بحث ما کلاً پاسخ دادن به این است.

۳/۴/۱. لزوم اثبات ادعای روبنایی و بومی بودن اختلاف انقلاب و ادبیات رایج توسط مدعی و همچنین اثبات ادعای خلاف آن توسط مدعی مربوطه و دوری از مجمل گویی به عنوان آفت مسئله

۳/۵. وجود هر سه جریان تلفیقی، مدرنیزاسیون و تاسیسی در کشور برای طراحی الگوی پیشرفت اسلامی

لذا شما اگر گزارش یکی از این همایش های معروف یا بقیه ی همایش هایی که برگزار شده است، را بررسی کنید می بینید که چون اجمالی است، سه دسته جواب است. یک عده ای رفتند به همان سمتی که ما عرض کردیم و توسعه را واقعاً غیر از پیشرفت می دانند و این دو مفهوم را یکسان نمی پندارند. وارد بحث شدند و یک مفهوم دیگری را گفتند. یک عده ای هم نقاط اشتراک را زیاد دانستند. یک عده هم خودش دانستند. ما هر سه جریان را در کشور داریم. یعنی هم جریانی داریم که قائل به مدرنیزاسیون است، هم جریاناتی داریم که قائل به تلفیق است و هم جریاناتی داریم که قائل به تأسیس است. هر سه را در کشور داریم.

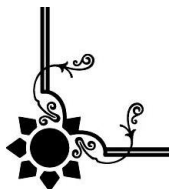
۳/۴/۱/۱. شفاف نکردن موضع همایشها پیرامون تلفیقی، تاسیسی و یا بومی بودن الگو، سبب عدم پاسخ درست به سوالهای انقلاب

ما می گوئیم این مشکل علاج نخواهد شد. پاسخ درستی به سؤالات انقلاب داده نخواهد شد، مگر اینکه سؤال شفاف باشد. هر همایش باید تکلیف خودش را مشخص کند. مثلاً بگوید من دارم همایش می گذارم و منظورم از الگوی پیشرفت اسلامی تلفیقی است. یا این که نه، ماهیت شرایط بومی است. یا نه ماهیت تأسیسی دارد. این که به اجمال این ها را برگزار کنیم، این آفت همایش هاست.

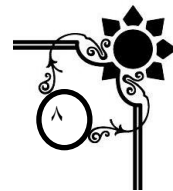
۳/۶. شروع بحث از تبیین تفصیلی سوالات سفارشات انقلاب توسط شورا بانخبگان

ما وقتی با نخبگان عزیز جلسه داریم از اینجا شروع می کنیم. اگر محل وفاق بود که این یک آفت است می توانیم وارد بحث نقشه راه شویم، که ما با توضیح دادن یک سری مفاهیم می توانیم به سمت یک طرف داستان استدلال برویم. که در اجمال گذاشتن سوالات آفت است و حالا ما باید مفاهیم را وارد بحث شویم و یک طرفش را محکم کنیم و خیال همه را راحت کنیم.

۳/۶/۱. قائل به تاسیس بودن شورای راهبردی در تمامی نشستها و خطرناک دانستن یکسان انگاری غربی با پیشرفت اسلامی







ما هرچه نشست در کشور با نخبگان برگزار کنیم، قائل به تأسیس هستیم. پیشرفت اسلامی را یکسان پنداشتن با توسعه‌ی غربی، چیز خطرناکی می‌دانیم. ولی آن مسئله فارغ از طرح مسئله‌ای که ما کردیم و شاید برای اولین بار هم هست، (حالا هم البته مجموعه‌هایی بودند که اشاراتی کردند) این که این مسئله را مطرح کنند، عام است و همه به آن مبتلا هستند. مثلاً اگر فردا راجع به این قضیه، همایش‌هایی برگزار شد، شما می‌توانید در قالب مصاحبه این سوال را بگنجانید. یعنی بروید به سمت واکاوی که این برگزارکنندگان چه مد نظرشان بوده است؟ مسئله چیست؟

### پرسش و پاسخ

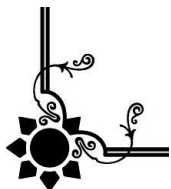
س: من یک سوال مبنایی ببرسم. وقتی که شما می‌گویید ما کاملاً قائل به تأسیس هستیم، نقش فطرت در این میان چیست؟ این که بگوییم که پاسخ‌ها و یا الگوهایی که تاکنون به این سوالات داده شده، این پاسخ‌ها را کاملاً می‌خواهیم کنار بگذاریم و الگوهای جدیدی را تأسیس کنیم، با قائل بودن به فطرت، چطور با هم قابل جمع است؟ اگر انسان‌ها برای پاسخ به این سوالات به سراغ فطرتشان نرفتند، همه‌ی سوالات پاسخ‌ها را غلط می‌پنداریم. خوب اینجا نقش فطرت چگونه است؟

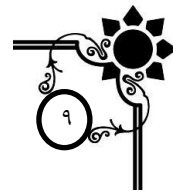
ج: پاسخ بسیار روشن است. انسان هم فطرت دارد و هم هوای نفس دارد و در متون دینی جمع‌بندی این است که ممکن است هوای نفس فطرت را مغلوب کند. در معارف دینی این جزء مسلمات است که فطرت قلب می‌شود و از بین می‌رود. این که با مسائل تخصیص تکنولوژی و مفاهیم غربی چطور باید در ایران برخورد شود بحث جدایی دارد. ولی اگر کسی بخواهد اعتراف کند که فطرت در دنیای بشر جاری است، مثلاً بگوید چیزی انسانی است، جوابش به لحاظ معارفی روشن است. فطرت این جور نیست که تغییر نکند، شما اگر او را در فضای کفر یا هواپرستی قرار دهید، اینجا دیگر فطرت قلب می‌شود و دیگر نمی‌شود با استناد به فطرت درستی یک گزاره را اثبات کرد.

س: به صورت کلی چه طور؟ یعنی اگر ما بگوییم همه‌ی انسان‌ها پاسخ همه‌ی سوالاتی برایشان در طول تاریخ طرح شده است همه غلط است و هیچ پاسخ صحیحی وجود ندارد، ما باید از ابتدا تأسیس کنیم؟ چگونه امکان‌پذیر است؟

ج: نه. معنی تأسیس معلوم خواهد کرد. راجع به این بحث هم جواب ما در اینجا روشن است. به میزانی که فرهنگ انبیا -ولو فرهنگ مسیحیت تحریف یافته- به همان میزانی که صحیح است و به همان نسبتی که بر فرهنگ بشریت تاثیر گذاشته، به همان میزان صحیح است. اگر ما تشخیص دادیم که آنجا ردپایی از فرهنگ انبیا هست، آن‌جا را می‌توانیم امضا کنیم و منحلش می‌کنیم در یک حرف برتری که این بحث دیگری است. این سوالات مبنایی و مفهومی در بحث ما راه‌گشا نیست.

اتفاقاً من سوال م بر عکس است. من می‌گویم شما یا جریان مخالفی که می‌گویید تأسیسی نیست، از کجا معلوم که ما برنامه‌ی توسعه کشور را مبنا قرار دادیم، ده سال ده برنامه را رفتیم و فردا نشویم مثل فاصله‌ی طبقاتی که در آمریکا شده است؟ آن‌ها باید تضمین دهند. بالاخره توسعه‌ی کشورهای G8 را به عنوان عینیت خودش الان پیش روی بشریت گذاشته است. این‌ها بالاخره کشورهای توسعه یافته‌ای هستند. این‌ها در شاخص خانواده‌شان دچار مشکل‌ند. در شاخص عدالت دچار مشکل‌ند.





این‌ها در مسائل معنوی دچار مشکل‌اند. ما عرض‌مان این است که اگر این برنامه‌های توسعه را پیاده کردیم، چه ضمانتی وجود دارد با این پیشرفت‌ها که به لحاظ فرهنگ و عقیده‌ی ما، آن‌ها قطعاً دچار مشکل هستند، ما جلو خواهیم رفت؟ شما از کجا ضمانت می‌دهید ما برنامه‌ی توسعه را پیاده کنیم و این شاخص‌ها در کشور ما منفی نشود؟ اتفاقاً آن‌ها باید جواب این سوال را بدهند. توسعه‌یافتگی قدر مطلق‌های شاخص‌های پذیرفته‌ی ما را قطعاً له خواهد کرد و از بین خواهد برد. آن‌ها باید تضمین بدهند. دست ما دست برتر است.

تغییر مدل کنونی اداره جامعه در صورت تغییر شاخص‌های جامعه

می‌خواهم بگویم وقتی شاخص را عوض می‌کنیم، مدل هم قطعاً عوض می‌شود. تجربه‌ی بشریت هم اینجا معنی ندارد. حتی اگر این مدل را در ششصد سال قبل اجرا کنید با این خیلی فرق می‌کند. ششصد سال دیگر هم اگر بخواهید با این مدل پیشرفت ممکن است با این خیلی متفاوت باشد. چون منظرهایی که در دوره‌های تاریخی یا تمدنی موثر است را می‌توانید دست‌کاری کنید. این‌ها به خاطر تغییرات تمدنی است که ما داریم. مثلاً اگر می‌خواستند در دوره صفویه همچین چیزی را در بیاورند ممکن بود چیز خوبی هم باشد. لزوماً هرچه تا الآن در تاریخ اتفاق افتاده، اتفاق بدی نیست. ولی خوب ما نمی‌توانیم آن مدل را با مدلی که الان می‌خواهیم اجرا کنیم، مقایسه‌اش کنیم.

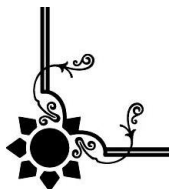
۳/۴/۱/۱/۱/۱. تعارض شعار اداره ی جامعه بر مبنای دین و پاسخگویی مجریان همایشهای ۳۰ ساله به سوالات متداول بجای پاسخ به سوالات ادبیات انقلاب

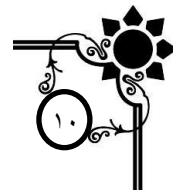
دست‌اندرکاران این همایش‌های سی ساله، باید بگویند به چه سوالی پاسخ دادند؟ آیا همان سوالات رایج بود که من دو تا از مثال‌هایش را عرض کردم. مثلاً زمان و مکان همان تراحم بود؟ الگوی پیشرفت اسلامی همان توسعه بود؟ شما همایش گذاشتید و همان‌ها را جواب دادید.

۳/۴/۱/۱/۱/۱. درست بودن روند گذشته و فعلی مجریان همایشها در صورت تعریف مبنای اداره ی جامعه توسط دیندار نه بر مبنای دین

اگر جواب دادید پس بیاید تکلیف شعار اصلی‌مان که گفتیم اداره جامعه بر مبنای دین است، را هم روشن کنیم. بگویید اداره‌ی جامعه بر مبنای دین، همان اداره‌ی جامعه توسط دینداران است، نه توسط دین. این را حل کنید. بالاخره یکی باید اصلاح شود. یا اداره جامعه براساس دین که دیدگاه محوری است باید اصلاح شود و بشود اداره جامعه توسط دینداران. آن وقت حرف درست است، ممکن است دیندار یکی از راه‌حل‌های مرسوم را بپذیرد. و الزاماً بین راه‌حلی که دین‌دار ارائه می‌دهد و دین، ممکن است ارتباط منطقی نباشد و اصلاً ممکن است، ارتباطی نباشد. من نماز را می‌خوانم، دین‌دار محسوب می‌شوم، ولی از راه‌حل‌های موجود عقلای عالم یکی را می‌پذیرم و جلو می‌روم.

۳/۴/۱/۱/۱/۲. لزوم پاسخگویی مجریان ۳۰ ساله همایشها به عملکردشان در صورت اداره جامعه بر مبنای دین





پس یا باید این ایده‌ی محوری‌تان را اصلاح کنید و یا اگر دیدید که این ایده‌ی محوری درست است با این بیان که جامعه اسلامی باید دینی اداره شود، و البته حتماً برای اینکه بخواهد دینی اداره شود باید دین‌داران در رأس کار باشند. این را ما در درون این تئوری داریم. آن وقت باید جواب بدهد که در این سی سال، همایش، مقاله، کارگاه، دوره‌ی دکترا و .. هر چه که کار کردید، چه پاسخی به این سوال داده شده و این سوال اصلاً چه بوده است؟ این را ما باید حل کنیم. طبق بررسی‌های ما، عمدتاً سوال جمهوری اسلامی منحل می‌شود در سوالات رایج که مثال‌هایش را عرض کردیم. خوب ما باید روی آسیب‌شناسی بحث کنیم.

۴. تبیین جهت جمهوری اسلامی ایران؛ راه حل جلوگیری از آفت انحلال سوال جمهوری اسلامی در توسعه غربی

۴/۱. لزوم تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی در همایش‌های مربوط به جمهوری اسلامی قبل از هر حرکتی؛ راه حل نقشه راه الگو برای آفت انحلال الگوی پیشرفت در توسعه

خوب اگر کسی سوال کرد و گفت به قول آخوندها سلمنا! تو درست می‌گویی. این تا به حال آفتی بوده، حالا چطور باید علاجش کرد؟ ما در نقشه راه‌مان جواب روشنی به این آفت یا به این مشکلی که هر برگزار کننده‌ای که در جمهوری اسلامی می‌خواهد همایش برگزار کند با آن رو بروست، دادیم. جواب این است، که باید جهت حرکت جمهوری اسلامی قبل از هر حرکتی تبیین شود.

۴/۱/۱. تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی بعنوان یکی از الزامات همه همایشها

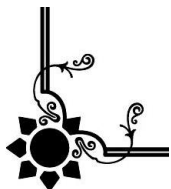
یعنی از جمله الزامات همه‌ی همایش‌ها، تبیین جهت حرکت نظام جمهوری اسلامی است.

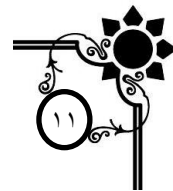
۴/۱/۲. لزوم تبیین جهت برای تبیین سوالات موجود در سخنان جامعه و ادامه یافتن آفت انحلال در صورت عدم تبیین جهت

اگر این جهت را تبیین کردیم، بعد می‌توانیم سوالاتی که در کثرات و ساختارهای جامعه هست را تبیین کنیم. ولی اگر جهت تبیین نشد، این آفت ادامه پیدا خواهد کرد و ما به این سمت می‌رویم که سوالات همان سوالات قبلی خواهند بود. پس جواب ما تبیین جهت جمهوری اسلامی است.

۴/۲. تعریف اجمالی جهت به سه کلمه مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال حرکت از منظر جدول پیشرفت

حالا جهت چیست؟ ما جهت را اجمالاً در سه کلمه معنا کردیم. یعنی اگر این سه کلمه مورد بحث قرار گیرد و واضح شود، بعد ما می‌توانیم وارد بحث شویم. جهت از منظر این جدول پیشرفتی که ما تنظیم کردیم، یعنی، تبیین مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال حرکت، که هر سه تا را توضیح می‌دهم.





۴/۲/۱. تبیین هر سه کلمه در نقشه راه به تفضیل بعنوان تبیین تفضیلی کلمه اجمالی جهت حرکت

یعنی این کلمه اجمالی که معمولاً همه صحبت می‌کنند و در اخبار هم هست که می‌گویند باید جهت حرکت تعیین شود، ما در نقشه راه در سه کلمه تبیین کردیم و از اجمال بیرون آوردیم. یعنی وقتی ما کلمه جهت را استخدام می‌کنیم، این کلمه اسم است برای سه مفهوم یا سه اصطلاح: مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال حرکت.

۴/۲/۲. تبیین مبنای جهت جمهوری اسلامی به یک سوم جواب سوال چستی جهت حرکت جمهوری اسلامی

ما باید به این سمت برویم که مبنای حرکت جمهوری اسلامی چیست؟ وقتی می‌خواهیم جهت حرکت را توضیح دهیم، یک سوم جواب این است که بگوییم مبنای حرکت جمهوری اسلامی چیست؟

۴/۲/۲/۱. تبیین چستی مبنا به ایده ارزیابی کننده کارها در همه زمانها و مکانها و مفهوم قابل ترجمه در بخش های مختلف

مبنا یعنی چه؟ مبنا یعنی آن ایده‌ای که در همه زمانها و مکانها و در همه شرایط، همه‌ی کارها با آن ارزیابی می‌شود. مبنا یعنی آن مفهومی که برای بخش‌ها قابل ترجمه است.

۴/۲/۲/۲. تبیین تحقق شاخص های هویت اسلامی؛ به مبنای حرکت جمهوری اسلامی

حالا مبنای حرکت جمهوری اسلامی چیست؟ مبنای حرکت جمهوری اسلامی، تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است.

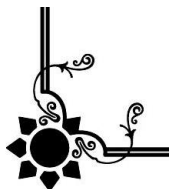
۴/۲/۲/۳. تبیین تغییر ناپذیری این مبنا و ایده محوری در هر شرایط زمانی و مکانی و ساختاری

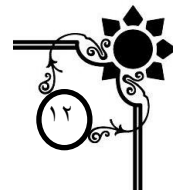
این در هر شرایط زمانی که ما قرار گرفتیم تغییر نمی‌کند. این ایده محوری تغییر نمی‌کند. در هر بخش یا مکان و یا کثرت و ساختاری که قرار گرفتیم، باید نسبت‌مان را با این تمام کنیم. بعد مبنای‌مان را با آن کثرت یا ساختار ترجمه کنیم.

۴/۲/۲/۴. تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی بعنوان راه مقابله با آفت عدم تبیین سوال جمهوری اسلامی و علت تمایز میان مبنای انقلاب و دو مبنای رقیب

پس یک آفت گفتیم، گفتیم سوال جمهوری اسلامی در همایش‌ها تبیین نمی‌شود، برای مقابله با این گفتیم باید جهت جمهوری اسلامی را تبیین کرد. تعریف مبنای انقلاب اسلامی علت تمایز مبنای انقلاب از دو مبنای رقیب آن خواهد شد.

۴/۲/۲/۴/۱. مرزبندی با مبنای اسام سنتی بعنوان مبنای محدود کننده فعالیت در حد ابلاغ با کلمه "تحقق"





کلمه‌ی تحقق که اصل هست و با کلمه تحقق با اسلام سنتی مرزبندی می‌کنیم. اسلام سنتی خودش را در استنباط و ابلاغ خلاصه می‌دارد. یعنی فعالیت علمی‌اش می‌رود به سمت استنباط و فعالیت عینی‌اش در حد ابلاغ است. هیچ‌وقت برنامه‌ریزی برای تحقق را مبنای کار خودش قرار نمی‌دهد. شما می‌بینید که اسلام ناب که مبنای حرکت جمهوری اسلامی است، اولش از تحقق شروع می‌شود و اصلاً بدنبال محقق کردن احکام و اسلام است.

۴/۲/۲/۴/۲. مرزبندی با جریان روشنفکری بعنوان جریان پیرو هویت نو و مدرن با کلمه "شاخص‌های هویت اسلامی"

شاخص‌های هویت اسلامی را مرزبندی می‌کنیم با جریان روشنفکر، که آنها از اساس به دنبال هویت اسلامی نیستند. به دنبال هویت نو و مدرن هستند.

۴/۲/۲/۴/۲/۱. تبیین به دنبال تحقق بودن و تغییر در ساختار اجتماعی ایجاد کردن به عنوان نقطه اشتراک دو جریان اسلام ناب و روشنفکری

ولی در یک چیزی اشتراک دارند؛ آنها هم به دنبال تحقق هستند. یعنی این‌طور نیست که یک روشنفکر که می‌خواهد در جمهوری اسلامی فعالیت کند مثل هر جای دنیا باشد. بخواهد یک چیزی را تبیین کند و بگوید مردم خودشان عمل کنند! نه، به دنبال تغییر در ساختارهای اجتماعی است.

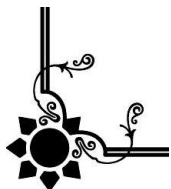
۴/۲/۲/۴/۳. تبیین مجدد مرزبندی‌های جریان اسلام ناب با جریان اسلام سنتی و جریان روشنفکری

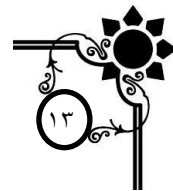
پس ما مبنای حرکت جمهوری اسلامی را با دو مبنای معارض و رقیب خودش تبیین کردیم. اسلام سنتی که استنباط- ابلاغ مبنای کارش هست، معارف اسلامی را استنباط و ابلاغ می‌کند. و برنامه‌ریزی برای تحقق مبنای کارش نیست. جریان روشنفکری به دنبال هویت مدرن هست، ولی می‌خواهد محققش کند.

۴/۲/۲/۵. لزوم استنباط شاخص‌های هویت اسلامی در مرحله اول و برنامه‌ریزی برای تحقق این شاخص‌ها در مرحله بعد؛ مبنای جمهوری اسلامی

شما در جمهوری اسلامی، تحقق شاخص‌های هویت اسلامی مبنای حرکت‌تان است. یعنی باید شاخص‌های هویت اسلامی را استنباط کنیم و بعد برنامه‌ریزی کنیم برای تحقق‌شان. این‌جا بحث‌های زیادی مطرح است. عده‌ای می‌گویند که آیا باید برنامه‌های تحقق هم مبتنی بر اسلام باشد؟ یا باید بر عقلانیت صرف تکیه داشته باشد و شاخص را محقق کنید کفایت می‌کند و بالاخره نحله‌هایی به وجود آمده است.

۵- تعریف دولت اسلامی در سه مرحله در دومین جدول نقشه راه برای پیمودن گام دوم این جدول ما پیشنهاد گام دوم است. جدولی هم برای گام سوم هست. لذا اگر شما جدول ما را ذیل دولت اسلامی ملاحظه کنید، ما دولت اسلامی را در سه مرحله تعریف کردیم:





۵/۱- مرحله ی پیدایش اولین مرحله دولت اسلامی با تصویب قانون اساسی سال ۵۸ و تغییرات سال ۶۸ یک مرحله از دولت اسلامی مرحله پیدایش است که در واقع با قانون اساسی مصوب ۵۸ و تغییرات سال ۶۸ انجام شد.

۵/۲- قانون اساسی الگوی پیشرفت مرحله ی دوم دولت اسلامی برای ایجاد تغییراتی جهت توانمندی ساختارها و توضیح شاخصهای هویت اسلامی

۲- یک مرحله ی دیگر ما پیشنهاد تغییراتش را در جدول تبیین کردیم، یعنی چه تغییراتی در ساختارهای فعلی ایجاد بشود تا شما بتوانید شاخص های مدیریت اسلامی را توضیح بدهید. اسمش را گذاشته ایم: قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی

۵/۳- قانون اساسی انقلاب فرهنگی مرحله ی تکامل دولت اسلامی

۳- یک مرحله هم داریم قانون اساسی بعد از این نقشه راه که ما از آن تعبیر کردیم به قانون اساسی انقلاب فرهنگی. پس سه تا قانون اساسی شد، در واقع قانون اساسی تبیین روابط ساختارها است.

۵/۱/۱- ایجاد تغییرات ساختاری پیشنهاد شده در قانون اساسی الگوی پیشرفت سبب تحقق بیشتر اسلام نسبت به قانون اساسی مصوب ۵۸

یک قانون اساسی مصوب ۵۸ با تغییرات ۶۸ داریم که این توانش همین قدر است. یعنی روابط ساختاری که تعریف کردیم همین قدر اسلام را محقق می کند. ما پیشنهاد دادیم یک تغییرات ساختاری ایجاد شود که اینها توانمندتر بشوند. اسمش را گذاشته ایم قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی.

۵/۳/۱- تغییر روابط ساختاری برای عبور از مرحله کنونی و دستیابی به قانون اساسی انقلاب فرهنگی مانند عبور از زمان شاه به انقلاب

این مرحله هم که به فضل الهی عبور کنیم، یک قانون اساسی داریم، یعنی دولت اسلامی تک قانون، که قانون اساسی اسم انقلاب فرهنگی توضیحش بوده است. باید فرهنگ را در اصلاح قانون اساسی درست کنیم، یعنی حتما باید روابط ساختاری تغییر کند. چطور شما از زمان شاه آمدید به زمان انقلاب، روابط ساختاری را تغییر دادید که توانستید اسلام را محقق کنید.

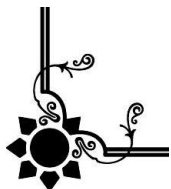
۵/۱/۲- توانمندسازی ساختارها در قانون اساسی الگوی پیشرفت جهت تحقق مبنای جمهوری اسلامی

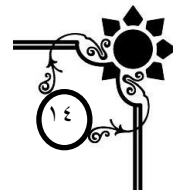
در سال ۶۸ به این نتیجه می رسید که این قانون اساسی برای اجرای اسلام مشکلاتی دارد. تغییرش دادیم. پس یک مرحله دولت اسلامی توانمندسازی ساختارها در سطح قانون اساسی فعلی است. حالا ساختارها باید یک تغییراتی بکنند که توانمندتر بشوند. برای چی؟ برای تحقق مبنای جمهوری اسلامی. ما اسم این مرحله از توانمندسازی را گذاشتیم قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی.

۵/۱/۲/۱- تبیین همه تغییرات لازم ساختاری بخشهای نظام برای اولین بار در قانون اساسی الگوی پیشرفت

یک مرحله تکاملی هم پیشنهاد دادیم، قانون اساسی انقلاب فرهنگی. نقشه راه به شما می گوید برای شما تغییرات ساختاری که لازم دارید تا برای تحقق مبنای تان توانمندتر بشوید. من تأکید دارم، برای اولین بار به فضل الهی تغییرات ساختاری بخش های مختلف نظام تبیین شده است. نه به صورت جزئی؛ یعنی سعی شده همه ی تغییرات لازم در همه ساختارها دیده شود. چون قانون اساسی فعلی همین قدر ظرفیت دارد.

۵/۱/۲/۱/۱- جایگزینی مرکز الگوی اسلامی پیشرفت - زیر نظر مقام معظم رهبری - بجای سازمان مدیریت برنامه ریزی کشور با توان تحلیل، تحقیق، نشر و محاسبه شاخصهای هویت اسلامی





مثلاً مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که الان در دفتر آیت‌الله خامنه‌ای تاسیس شده، با تغییراتی که بعداً می‌کند - جای سازمان مدیریت برنامه‌ریزی کشور را می‌گیرد. بعد این را شما باید بیاورید در قانون اساسی. یعنی شما باید یک مرکز درست کنید، این مرکز باید خودش توان داشته باشد، بتواند تحلیل کند، تحقیق کند، شاخص‌های هویت اسلامی را منتشر کند، محاسبه کند، بعداً این را جایگزین آن سازمان مدیریت می‌کنید. یعنی به لحاظ ساختاری باید به نظر ما بیاید زیر نظر دفتر رهبری.

۵/۱/۲/۱/۲- لزوم جایگزینی برنامه ریزی اداره کشور از بخش اجرا به دست متکفلین جهت جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی برای اداره کشور نباید بیاید در بخش اجرا، باید بیاید به دست کسی که متکفل جهت است. مثلاً، احتمال دیگری است، ولی بالاخره مجمع با این مرکز تحقیقاتی که دارد توسعه مالزی را تئوریزه می‌کند. اصل قضیه باید تبیین می‌شد. آن وقت مشکلش این است که مجمع نقش مشورتی دارد، نقش برنامه‌ریزی ندارد در قانون اساسی. یعنی ما می‌گوییم تغییرات کند.

۵/۱/۲/۱/۳- لزوم ایجاد نهاد قانونی در سطح جهت گیری انقلاب اسلامی در برنامه ریزی کشور بالاخره ما به نظرمان می‌آید اختیارات برنامه‌ریزی کشور، حداقل در سطح جهت گیری یک نهاد قانونی درست بشود.

۵/۱/۲/۲- عدم تبیین برنامه بدنبال ابلاغ سیاستهای کلی کنونی

الآن سیاست کلی ابلاغ می‌شود، ولی تبیین برنامه نمی‌شود. من یک وقت در یک جلسه گفتم حداقل در سطح قوانین عادی باید تغییر ایجاد شود. الان وقت بحث این حرف‌ها نیست. یعنی اول باید بیاییم ببینیم چه جور باید الگو را تولید کنیم. یعنی اگر شما الگو را درست کنید، مساله‌ی ساختاری‌تان هم تبیین می‌شود.

۵/۱/۲/۳- مطرح شدن چگونگی ارتقا سطح اسلامیت از مرحله فعلی در ۲۷ گونه توسط شورای راهبردی شما در مرحله دوم دولت اسلامی هستید، در مرحله دوم دولت اسلامی، ما آمدیم یک تبیینی ارائه دادیم از چگونگی توان‌مندسازی ساختارهای شما برای تحقق مبنایان. یک تبیین هم برای آینده داریم. ما می‌توانیم از این که هست ساختارهای مان را توانمندتر کنیم. یک گزارشی دادم به حاج آقای تهرانی. حاج آقای تهرانی گفتند این کف اسلامیت است. به بیان ساده‌تر، ما باید یک مقدار سطح اسلامیت را ارتقا بدهیم. از مرحله فعلی بیاریم بالاتر. ما این را در ۲۷ گونه تبیین کردیم.

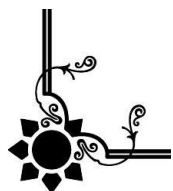
۵/۱/۲/۳/۱- حفظ هویت خانواده در برنامه ریزی بعنوان اولین ضرورت ساختارها

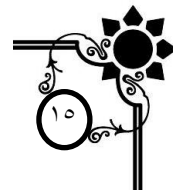
اولین ضرورت ساختارها این است که هویت خانواده را در برنامه‌ریزی حفظ می‌کند.

۵/۱/۲/۳/۱/۱- ضرورت تحول بنیادین آموزش و پرورش برای تربیت همسر و ایجاد آمادگی نقش پدرمادری در افراد شما اگر بخواهید خانواده تشکیل بدهید، زن و مرد که خانواده را تشکیل می‌دهند در نظام آموزش و پرورش رشد و نمو پیدا کردند و پیدا می‌کنند. تحول بنیادین باید بدهید، آموزش پرورش بتواند همسر تربیت بکند. یعنی حتماً باید این در آن لحاظ شود و جزء لاینفک تحول بنیادین است.

۵/۱/۲/۳/۱/۱/۱- عدم تبیین جهت جمهوری اسلامی علت عدم موفقیت طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش

در حال حاضر چون جهت جمهوری اسلامی تبیین نشده است، هرچند طرحی هم به اسم طرح تحول بنیادین آموزش پرورش ارائه دادید، ولی در این طرح تحول معلوم نشده که بالاخره محتوای آموزشی چقدر در اختیار تربیت همسران آینده است؟ شما از توان‌مندسازی ساختارها صحبت می‌کنید، این توان‌مندسازی ساختارها، یک قسمت توان‌مندسازی ساختار آموزش و پرورش است. برای تربیت آدم‌هایی که بتواند خانواده را متکفل شود.





۵/۱/۲/۳/۲-اصلاح الگوی مصرف ضرورتی بر توانمند سازی ساختارها

بحث دیگر ساختارها اصلاح الگوی مصرف است.

۵/۱/۲/۳/۲/۱-اشتغال پدر و مادر برای تامین هزینه های الگوی مصرف کنونی

الان شما با یک معضلی روبه‌رو هستید، پدر و مادر به دلیل اینکه می‌خواهند در نُرم مصرف امروز زندگی کنند، (اگر زندگی نکنند که از پسند اجتماعی خارج می‌شوند) مجبور هستند هر دو کار کنند تا هزینه‌های این الگوی مصرف را تامین کنند. لذا ما الان پدر و مادر نداریم، ما نان‌آور داریم، به اصطلاح فنی‌تر ما صیغه ازدواج دائم می‌خوانیم، ولی تحقق متعه داریم. چون پدر و مادر مشغول تامین الگوی مصرف فعلی هستند.

۵/۱/۲/۳/۲/۱/۱-توقف رفاه مادی در یک حد به معنای اصلاح الگوی مصرف برای حفظ خانواده و آسایش و اجرای احکام خانواده

روی توانمندسازی صحبت می‌کنید دیگر، برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی. پس حتماً اصلاح الگوی مصرف، معنای رعایت استانداردهای دیگر نمی‌دهد. معنای اصلاح الگوی مصرف این است که رفاه مادی باید در یک حدی متوقف شود. اگر این کار را نکنید خانواده از بین می‌رود. یعنی مبنای رفاه ضد خانواده است. معنای لفظی نه، یعنی مدگرایی افسار گسیخته. ما تعبیری که می‌کنیم اینجوری است، می‌گوییم رفاه یعنی مبلمان مان شیک‌تر باشد، ولی آسایش که باید در خانه باشد، نیست. خب آسایش چه می‌شود؟ آسایش همان احکام خانواده است. مبنای رفاه باید کنترل شود. جامعه اسلامی باید به دنبال یک سطحی از رفاه باشد. یک سطحی از رفاه که تامین شد، باقی برنامه‌ریزی‌ها باید بیاید برای توانمندسازی پدر، پدر بودن را در نان‌آور بودن خلاصه نداند.

۵/۱/۲/۳/۳-وجود ۳۰ شاخص هویت اسلامی و روش محاسبه آنها بعنوان نطفه های اولیه کار بجای شاخصهای wdi

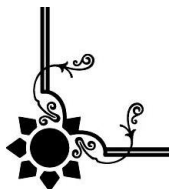
از نکات جالب جدول ما این است که ما یک خانه‌ای داریم به اسم شاخص‌های هویت اسلامی. ما در این گزارش‌ها روش محاسبه را منتشر می‌کنیم. شما تا زمانی که نتوانید روش محاسبه‌تان را منتشر کنید، برای چه به ساختارها می‌گویید بیابند محققش کنند؟ به جای WDI به دنبال منتشر کردن این شاخص‌ها هستیم با محاسباتش. منتها حالا این چیزی که ما گرفتیم شاید در حد ۳۰ تا شاخص است که روش محاسبه‌ش هم ضمیمه می‌کنیم. بعدها باید گسترش پیدا کند. این نطفه‌های اولیه آن گزارش‌های مبنایی شما می‌شوند. بعداً در سطح جهان هم قابل استفاده می‌شود.

۵/۱/۲/۳/۱/۱/۲-ضرورت توانمند سازی ساختارها در دوبرح اصلاح الگوی مصرف و تحول آموزش پرورش جهت احیای نهاد خانواده

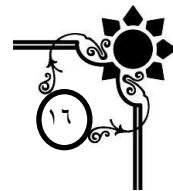
مسئله را می‌خواستیم بگوییم که توانمندسازی ساختارها ما دو تا را اشاره کردیم، یکی حتماً باید ساختارها بروند به سمت اصلاح الگوی مصرف، یکی هم باید ساختارها بروند به سمت تحول در آموزش و پرورش که خروجی این‌ها بشوند احیای نهاد خانواده. یعنی حداقل بحث اصلاح آموزش و پرورشش واضح است. شما دختران را آموزش نمی‌دهید که مادر یا همسر باشند. مفاد درسی ارتباطی با این بحث‌ها ندارد. پسران را هم همین‌طور. پس حتماً باید این ساختار آموزش و پرورش تغییر کند به این سمت.

۵/۱/۲/۳/۱/۱/۳-توجه به نقش آموزش پرورش برای تامین نیروی کار در نقشه ی راه

حالا خانواده پردازش زیادی دارد، بعداً حتماً اشکال می‌کنند، می‌گویند یک آموزش و پرورش کشور دارد تامین نیرو می‌کند برای صنعت کشور، شما اگر به آن دست بزنید این روی زمین می‌ماند. سوالات جدی‌بی است. که حالا در این‌باره ما بحث‌های



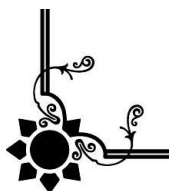


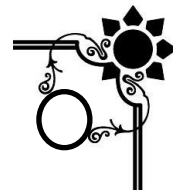


جدی‌ای داریم که بحث خانواده، یک کارگاه یک‌روزه می‌خواهد که آن ایده ما تبیین بشود که چطور می‌شود رفت به سمت اصلاح.

۵/۱/۲/۳/۱/۱/۴- برنامه ریزی برای احیای نهاد خانواده زیر ساخت الگوی پیشرفت اسلامی

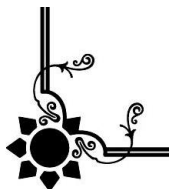
اجمال قضیه این است که ما جامعه اسلامی بدون خانواده‌ی توان‌مند برایمان معنا ندارد، الگوی پیشرفت اسلامی بدون در نظر گرفتیرنامه برای خانواده هم معنا ندارد. زیرساخت الگوی پیشرفت اسلامی ارائه‌ی روش برنامه‌ریزی برای احیای نهاد خانواده است.

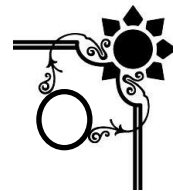




## فهرست تفصیلی

۱. راه اندازی یک شورای مردمی در قم به نام «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی»..... ۱
- ۱/۲. نقشه‌ی راه دستیابی به الگوی پیشرفت اسلامی، اولویت کاری شورا و در پیش داشتن سه دستور کار برای طرح این مسئله در کشور..... ۱
  - ۱/۲/۱. معرفی نقشه‌ی راه شامل ده سال مطالعه مربوط به اصل انقلاب و چهار سال مطالعه مربوط به چگونگی تغییر در ساختارهای فعلی نظام جمهوری اسلامی، دستور کار اول..... ۱
  - ۱/۲/۲. ارتباط گیری با نهاد های متکفل برخی از محور های ۲۷ گانه ی نقشه ی راه و طرح تدریجی ضرورت تاسیس نهاد های متکفل دیگر محور های نقشه ی راه در جامعه، دستور کار دوم..... ۱
  - ۱/۲/۳. تنظیم و پیشنهاد به دفتر مقام معظم رهبری سیاست هایی کلان مبتنی بر نقشه راه برای بیان تغییرات لازم در برنامه آتی کشور، دستور کار سوم..... ۱
  - ۱/۲/۴. مرور سه دستور کار شورا شامل ۱- برگزاری نشست‌های معرفی، ۲- تشکیل کارگروه های همکاری با محوریت موضوعات نقشه راه، ۳- نوشتن سیاست‌های کلان برای برنامه آتی پیشرفت کشور..... ۲
    - ۱/۲/۱/۱. داشتن سه مدل برای نشست های معرفی و توضیح اولین آنان شامل نشست های خانگی، مخصوص مستضعفین به میزبانی یک نفر و دعوت رفقای نخبه ی میزبان و رایزنی آنان و بیان داشتن رضایت بالا از این نشست ها ..... ۲
    - ۱/۲/۱/۲. نشست با رسانه ها و تیم تعیین کننده ی سیاست های خبری آنها و مباحثه پیرامون در دستور کار قرار گرفتن محور ها در تولید خبر، دومین مدل نشست های معرفی..... ۲
    - ۱/۲/۱/۳. نشست با حوزویان و دانشگاهیان، مدل سوم نشست های معرفی..... ۲
  - ۱/۲/۲/۱. گزارش کار بخش تشکیل کارگروه ها به صورت تشکیل کارگروهی ۷-۸ نفره از نمایندگان مجلس برای پیشبرد بحث اصلاح نحوه ی قانون گذاری و بیان استفاده از نقشه راه گاه برای معرفی شورا و گاه برای تصمیم سازی به همراه مدیران..... ۲
  ۲. به هم ریختن تعادل کل برنامه توسعه ی با محوریت اقتصاد و نوشتن آن با محوریت فرهنگ، هدف ما..... ۳
- ۳/۱. بیان آسیب فعلی کارهای فکری انقلاب شامل طرح سفارشات علمی از سوی رهبر مانند دستور تبیین اقتصاد مقاومتی، نسبت بین عدالت و پیشرفت، چگونگی اصلاح الگوی مصرف، چيستی الگوی پیشرفت اسلامی، تاثیر برنامه ریزی کشور





بر موضوع خانواده و ... و نبود جواب برای این سفارشات در دپارتمان های علمی دنیا به علت نو و تاسیسی بودن آنها و بررسی این آسیب برای رسیدن به نقشه راه.....۳

۳/۱/۱. ورود حوزویان و دانشگاهیان به نشست، کارگاه، مقاله و کتاب برای پاسخ به سوالات طرح شده.....۳

۳/۱/۲. بیان مثال طرح بحث "زمان و مکان در اجتهاد" توسط امام راحل، به عنوان بحثی جدید در حوزه ی فقه و برگزاری همایش هایی در قم در این راستا و همچنین شرح و بسط موضوعات توسط خود آیت الله خامنه ای درباره ی بحث های پیرامون حوزه ی اجرایی کشور یا مباحث دانشگاهی در عین برگزاری نشست ها و همایش ها پیرامون این موضوعات...۴

۳/۱/۱/۱. منحل شدن صورت مسئله ی انقلاب در صورت مسئله ای موجود و دادن همان پاسخ های قبلی به آن در تعداد زیادی از نشست ها و همایش ها.....۴

۳/۱/۱/۱/۱. بیان مثال برگزاری نشستی تحت عنوان الگوی پیشرفت اسلامی و انحلال مسئله ی چیستی الگوی پیشرفت در مسئله ی چیستی الگوی توسعه و قلب سوال در این همایش توسط یکی از شخصیت های شناخته شده ی معتقد به توسعه و اقتصاد سرمایه ای در این نشست.....۴

۳/۱/۱/۱/۲. بیان مثال سخنرانی فقیهی در باره ی مسئله ی "زمان و مکان در اجتهاد" و ارتباط دادن این مسئله با "زمان و مکان در اجرای حکم" یا همان تراجم به عنوان مسئله ای جواب داده شده در فقه.....۴

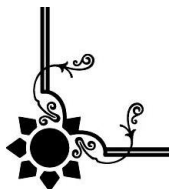
۳/۱/۱/۱/۲/۱. تبیین تراجم به صورت بیان ممکن نبودن اجرای دو حکم فقهی به صورت همزمان مانند اقامه ی نماز و نجات جان انسانی در حال غرق شدن و بیان بحث کردن زیاد فقها راجع به این موضوع.....۵

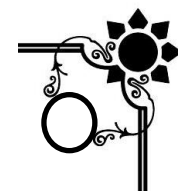
۳. تحمیل سوالات قبلی به سوال جدید در همایش های برگزار شده در بحث اقتصاد مقاومتی و پاسخ به سوال انقلاب مانند سوالات قبلی و بیان تازه متوجه این موضوع شدن رهبران انقلاب و مرور آسیب مذکور با عنوان «عدم تبیین دقیق و روشن مسائل تأسیسی انقلاب، نزد برگزارکنندگان و نزد شرکت کنندگان این گونه همایش ها».....۵

۳/۲. نادیده گرفته شدن ایده ی نو اداره ی جامعه بر مبنای دین، نتیجه ی رفع نکردن آسیب.....۵

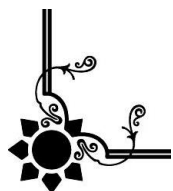
۳/۲/۱. ادامه دادن راه های موجود دنیا و نهایتاً در نظر گرفتن بوم ایران، نتیجه ی گرفته شده در بیست سال آینده در صورت رفع نکردن آسیب.....۶

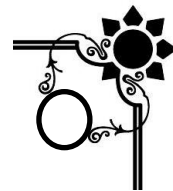
۳/۲/۱/۱. اشتباه بودن و شعار بودن راه آمده در هفتاد هشتاد سال اخیر، نتیجه ی گرفته شده در صورت رفع نکردن آسیب و عدم دقت در تبیین صحیح مسئله جمهوری اسلامی.....۶



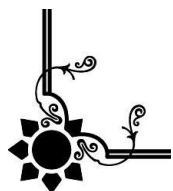


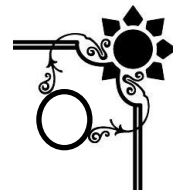
- ۳/۳. لزوم مقایسه و تطبیق توسعه یافتگی و الگوی پیشرفت اسلامی و روشن شدن نقاط اشتراک و اختلاف در تبیین الگوی پیشرفت ..... ۶
- ۳/۳/۱. معرفی الگوی پیشرفت اسلامی به صورت الگوی توسعه ی بومی توسط برخی و وارد کردن این موضوع به اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف و... ..... ۶
- ۳/۳/۱/۱. بیان یکسانی اصلاح الگوی مصرف و رعایت استاندارد ها توسط بعضی کارشناس ها..... ۶
- ۳/۴. طرح سوال مبنایی یا روبنایی و بومی بودن اختلاف مسائل انقلاب با مسائل همعرض خود در ادبیات رایج ..... ۷
- ۳/۴/۱. لزوم اثبات ادعای روبنایی و بومی بودن اختلاف انقلاب و ادبیات رایج توسط مدعی و همچنین اثبات ادعای خلاف آن توسط مدعی مربوطه و دوری از مجمل گویی به عنوان آفت مسئله..... ۷
- ۳/۵. وجود هر سه جریان تلفیقی، مدرنیزاسیون و تاسیسی در کشور برای طراحی الگوی پیشرفت اسلامی..... ۷
- ۳/۴/۱/۱. شفاف نکردن موضع همایشها پیرامون تلفیقی، تاسیسی و یا بومی بودن الگو، سبب عدم پاسخ درست به سوالهای انقلاب..... ۷
- ۳/۶. شروع بحث از تبیین تفضیلی سوالات سفارشات انقلاب توسط شورا بانخبگان..... ۷
- ۳/۶/۱. قائل به تاسیس بودن شورای راهبردی در تمام نشستها و خطرناک دانستن یکسان انگاری توسعه غربی با پیشرفت اسلامی..... ۷
- پرسش و پاسخ..... ۸
- ۳/۴/۱/۱/۱. تعارض شعار اداره ی جامعه بر مبنای دین و پاسخگویی مجریان همایشهای ۳۰ ساله به سوالات متداول بجای پاسخ به سوالات ادبیات انقلاب..... ۹
- ۳/۴/۱/۱/۱/۱. درست بودن روند گذشته و فعلی مجریان همایشها در صورت تعریف مبنای اداره ی جامعه توسط دیندار نه بر مبنای دین..... ۹
- ۳/۴/۱/۱/۱/۲. لزوم پاسخگویی مجریان ۳۰ ساله همایشها به عملکردشان در صورت اداره جامعه بر مبنای دین..... ۹
۴. تبیین جهت جمهوری اسلامی ایران؛ راه حل جلوگیری از آفت انحلال سوال جمهوری اسلامی در توسعه غربی..... ۱۰
- ۴/۱. لزوم تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی در همایشهای مربوط به جمهوری اسلامی قبل از هر حرکتی؛ راه حل نقشه راه الگو برای آفت انحلال الگوی پیشرفت در توسعه..... ۱۰





- ۴/۱/۱. تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی بعنوان یکی از الزامات همه همایشها..... ۱۰
- ۴/۱/۲. لزوم تبیین جهت برای تبیین سوالات موجود در سخنان جامعه و ادامه یافتن آفت انحلال در صورت عدم تبیین جهت..... ۱۰
- ۴/۲. تعریف اجمالی جهت به سه کلمه مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال حرکت از منظر جدول پیشرفت... ۱۰
- ۴/۲/۱. تبیین هر سه کلمه در نقشه راه به تفصیل بعنوان تبیین تفضیلی کلمه اجمالی جهت حرکت ..... ۱۱
- ۴/۲/۲. تبیین مبنای جهت جمهوری اسلامی به یک سوم جواب سوال چیستی جهت حرکت جمهوری اسلامی ..... ۱۱
- ۴/۲/۲/۱. تبیین چیستی مبنا به ایده ارزیابی کننده کارها در همه زمانها و مکان ها و مفهوم قابل ترجمه در بخش های مختلف..... ۱۱
- ۴/۲/۲/۲. تبیین تحقق شاخص های هویت اسلامی به مبنای حرکت جمهوری اسلامی ..... ۱۱
- ۴/۲/۲/۳. تبیین تغییر ناپذیری این مبنا و ایده محوری در هر شرایط زمانی و مکانی و ساختاری..... ۱۱
- ۴/۲/۲/۴. تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی بعنوان راه مقابله با آفت عدم تبیین سوال جمهوری اسلامی و علت تمایز... ۱۱
- میان مبنای انقلاب و دو مبنای رقیب..... ۱۱
- ۴/۲/۲/۴/۱. مرزبندی با مبنای اسام سنتی بعنوان مبنای محدود کننده فعالیت در حد ابلاغ با کلمه "تحقق" ..... ۱۲
- ۴/۲/۲/۴/۲. مرزبندی با جریان روشنفکری بعنوان جریان پیرو هویت نو و مدرن با کلمه "شاخص های هویت اسلامی"..... ۱۲
- ۴/۲/۲/۴/۲/۱. تبیین به دنبال تحقق بودن و تغییر در ساختار اجتماعی ایجاد کردن به عنوان نقطه اشتراک دو جریان اسلام ناب و روشنفکری ..... ۱۲
- ۴/۲/۲/۴/۳. تبیین مجدد مرزبندی های جریان اسلام ناب با جریان اسلام سنتی و جریان روشنفکری..... ۱۲
- ۴/۲/۲/۵. لزوم استنباط شاخص های هویت اسلامی در مرحله اول و برنامه ریزی برای تحقق این شاخص ها در مرحله بعد؛ مبنای جمهوری اسلامی ..... ۱۲
- ۵- تعریف دولت اسلامی در سه مرحله در دومین جدول نقشه راه برای پیمودن گام دوم..... ۱۲
- ۵/۱- مرحله ی پیدایش اولین مرحله دولت اسلامی با تصویب قانون اساسی سال ۵۸ و تغییرات سال ۶۸..... ۱۳





- ۵/۲- قانون اساسی الگوی پیشرفت مرحله ی دوم دولت اسلامی برای ایجاد تغییراتی جهت توانمندی ساختارها و توضیح شاخصهای هویت اسلامی.....۱۳
- ۵/۳- قانون اساسی انقلاب فرهنگی مرحله ی تکامل دولت اسلامی.....۱۳
- ۵/۱/۱- ایجاد تغییرات ساختاری پیشنهاد شده در قانون اساسی الگوی پیشرفت سبب تحقق بیشتر اسلام نسبت به قانون اساسی مصوب ۵۸.....۱۳
- ۵/۳/۱- تغییر روابط ساختاری برای عبور از مرحله کنونی و دستیابی به قانون اساسی انقلاب فرهنگی مانند عبور از زمان شاه به انقلاب.....۱۳
- ۵/۱/۲- توانمندسازی ساختارها در قانون اساسی الگوی پیشرفت جهت تحقق مبنای جمهوری اسلامی.....۱۳
- ۵/۱/۲/۱- تبیین همه تغییرات لازم ساختاری بخشهای نظام برای اولین بار در قانون اساسی الگوی پیشرفت.....۱۳
- ۵/۱/۲/۱/۱- جایگزینی مرکز الگوی اسلامی پیشرفت - زیر نظر مقام معظم رهبری - بجای سازمان مدیریت برنامه ریزی کشور با توان تحلیل، تحقیق، نشر و محاسبه شاخصهای هویت اسلامی.....۱۳
- ۵/۱/۲/۱/۲- لزوم جایگزینی برنامه ریزی اداره کشور از بخش اجرا به دست متکفلین جهت جمهوری اسلامی.....۱۴
- ۵/۱/۲/۱/۳- لزوم ایجاد نهاد قانونی در سطح جهت گیری انقلاب اسلامی در برنامه ریزی کشور.....۱۴
- ۵/۱/۲/۲- عدم تبیین برنامه بدنبال ابلاغ سیاستهای کلی کنونی.....۱۴
- ۵/۱/۲/۳- مطرح شدن چگونگی ارتقا سطح اسلامیت از مرحله فعلی در ۲۷ گونه توسط شورای راهبردی.....۱۴
- ۵/۱/۲/۳/۱- حفظ هویت خانواده در برنامه ریزی بعنوان اولین ضرورت ساختارها.....۱۴
- ۵/۱/۲/۳/۱/۱- ضرورت تحول بنیادین آموزش و پرورش برای تربیت همسر و ایجاد آمادگی نقش پدر و مادری در افراد.....۱۴
- ۵/۱/۲/۳/۱/۱/۱- عدم تبیین جهت جمهوری اسلامی علت عدم موفقیت طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش.....۱۴
- ۵/۱/۲/۳/۲- اصلاح الگوی مصرف ضرورتی بر توانمند سازی ساختارها.....۱۵
- ۵/۱/۲/۳/۲/۱- اشتغال پدر و مادر برای تامین هزینه های الگوی مصرف کنونی.....۱۵
- ۵/۱/۲/۳/۲/۱/۱- توقف رفاه مادی در یک حد به معنای اصلاح الگوی مصرف برای حفظ خانواده و آسایش و اجرای احکام خانواده.....۱۵
- ۵/۱/۲/۳/۳- وجود ۳۰ شاخص هویت اسلامی و روش محاسبه آنها بعنوان نطفه های اولیه کار بجای شاخصهای wdi.....۱۵
- ۵/۱/۲/۳/۱/۱/۲- ضرورت توانمند سازی ساختارها در دبحث اصلاح الگوی مصرف و تحول آموزش پرورش جهت احیای نهاد خانواده.....۱۵
- ۵/۱/۲/۳/۱/۱/۳- توجه به نقش آموزش پرورش برای تامین نیروی کار در نقشه ی راه.....۱۵
- ۵/۱/۲/۳/۱/۱/۴- برنامه ریزی برای احیای نهاد خانواده زیر ساخت الگوی پیشرفت اسلامی.....۱۶

